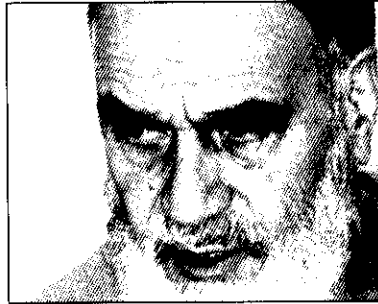




امام خمینی و احیای نگرش سیاسی به عاشورا و تشکل بخشی به شیعه

□

حسین شیدائیان



فصلنامه علمی و پژوهشی
سیاست و اندیشه

امام خمینی که فرهنگ عاشورا را گنجینه عظیم سیاسی دینی و پشتوانه فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام می‌دانست با بهره‌گیری از آموزه‌های عاشورایی، حماسه حسینی را اساس قیام و مبارزه خویش قرار داده به احیای دین پرداخت.

نویسنده در این مقاله با نگاه به نهضت امام خمینی از دریچه الهام‌گیری از نهضت حسینی، احیای روح سیاسی نهضت عاشورایی توسط حضرت امام را تحلیل کرده است و گامهای عملی ایشان در این راستا را بر می‌شمارد. وی تربیت شاگردان، طرح تئوری حکومت اسلامی و ولایت فقیه، بهره‌برداری صحیح از مناسبت‌های اسلامی در جهت هدایت و به کارگیری مردم و الگودهی منطبق بر آموزه‌های قیام حسینی را به عنوان اقدامات عملی حضرت امام در تشکل بخشی شیعه، مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در همین بستر تشکیل نظام جمهوری اسلامی را برخاسته از متن مکتب حسینی و استمرار آن را آمادگی برای ظهور ولی مطلق الهی قلمداد می‌کند.

رمز و راز جاودانگی حادثه عظیم و حماسی عاشورا در گستره تاریخ بشریت، الهی بودن این رویداد مهم تاریخی است هر چند در تاریخ پس از عاشورا با نگرش‌های متفاوت و از جنبه‌های گوناگون درباره ابعاد و عظمت این حماسه بزرگ سخن گفته شده است که هر کدام به نوعی دارای نکات بدیع است؛ اکنون نیز با هر رویکردی به نهضت عاشورای حسینی، مشاهده می‌گردد که نکات ناگفته بسیاری وجود دارد که به تحقیق گسترده نیاز دارد تا جوانب مختلف این واقعه شناسانده شود. سؤالاتی که از عنوان این مقاله به ذهن متبادر می‌شود و این مقاله در صدد روشن ساختن و پاسخ‌گویی به آن‌هاست عبارتند از:

۱. نگرش سیاسی امام به عاشورا چیست و چگونه آن را احیا کرد؟
۲. امام با بهره‌گیری از این نگرش سیاسی به چه شیوه‌ای به شیعه تشکل بخشید؟
۳. تشکل بخشی شیعه به چه شکلی تبلور یافت؟

در طول تاریخ شیعه و پس از غیبت کبری، بسیاری از عالمان دینی و متعهد، با قیام و مبارزه احیای دین اسلام را وجهه همت خویش قرار دادند که موفق‌ترین و شگفت‌انگیزترین آن‌ها، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی است. امام با شناخت دقیق از سیاست‌های استکبار جهانی در تحمیل و حمایت رژیم پهلوی در ایران و مشابهت‌های فراوان این رژیم با حاکمان اموی با الهام از فرهنگ احیاگر عاشورا و بهره‌گیری از دو عنصر تحرک‌آفرین دینی، یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» و «تکلیف الهی» که شالوده و اساس شکل‌گیری حماسه عاشورای حسینی را پایه‌ریزی کردند؛ رژیم دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را فرو ریخت و مکتب انسان‌ساز اسلام را حیات مجدد بخشید و غبار تحریف و بدعت را از چهره دین زدود. از مهم‌ترین دلایل موفقیت امام در پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی احیای نگرش سیاسی ایشان به آموزه‌های دینی و آمیختگی دین با سیاست بود.

درباره سیاست و تعریف آن، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است؛ برخی از متفکران مغرب زمین سیاست را معادل با «علم قدرت»، «علم به زیر سلطه درآوردن»، یا «علم به اطاعت و داشتن» می‌دانند. هارولد ژ. لاسکی موضوع سیاست را بررسی نهادهای رسمی کشور و دولت می‌داند. مک‌آیور، سیاست را به معنی حکومت می‌داند، موریس دو ورژ، استاد علم سیاست دانشگاه پاریس در این باره می‌گوید: سیاست وسیله‌ای است برای تأمین نوعی نظم اجتماعی.^۱



متفکران و اندیشمندان اسلامی هم تعریف‌های مختلفی در مفهوم سیاست بیان نموده‌اند: فارابی، رابطه فرماندهی و فرمان‌بری و خدمات حکومت را سیاست می‌داند. غزالی، سیاست را به معنای اصلاح جامعه و مردم برای نجات دنیا و آخرت آنان بیان می‌کند.^۲ ابن خلدون، جامعه‌شناس معروف اسلامی، سیاست را معادل با قدرت حکومت می‌داند.^۳

امام خمینی در تعریف سیاست می‌فرماید:

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت است و صلاح افراد است.»^۴

و در ادامه مطلب، مجریان صالح و شایسته این «سیاست» را معرفی می‌نماید:

«این مختص به انبیاست، دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند، این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آن‌ها به علمای بیدار اسلام.»^۵

مطلب دیگر پیوند دین و سیاست است که یکی از مباحث مهم در حوزه اندیشه سیاسی اجتماعی امروز به شمار می‌رود. برخی با انکار هرگونه پیوند میان این دو مقوله، تداخل یکی از آن‌ها را در امور دیگری موجب ناکارآمدی طرف مقابل می‌دانند و به جدایی کامل و پرهیز از تداخل آن‌ها برای حفظ حرمت هر یک توصیه می‌نمایند. اندیشه سکولار مروج چنین نظریه‌ای می‌باشد. نقطه مقابل این تفکر؛ نظریه رابطه میان دین و سیاست است، اما در نوع رابطه و قلمرو تداخل دین و سیاست در میان برخی از اندیشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

در اندیشه سیاسی امام آمیختگی دین و سیاست مطرح است، نه رابطه میان این دو. ایشان ضمن نقد نظریه تفکیک، معتقد بودند که دین و سیاست از یکدیگر منفک و مجزا نیستند تا با استدلال یا بررسی نوع رابطه به چگونگی پیوند یا تعامل بین این دو بپردازند ایشان در این باره می‌فرماید:

«دیانت اسلام یک دیانت عادی تنها نیست و فقط وظیفه عبد و خدای تبارک و تعالی، وظیفه روحانی تنها نیست؛ و همین طور یک مذهب و دیانت سیاسی تنها نیست؛ عبادی است و سیاسی، سیاستش در عبادت مدغم است و عبادتش در سیاست مدغم، یعنی همان جنبه عبادی یک جنبه سیاسی دارد.»^۶

ایشان در تحریر الوسیله نیز در بحث و مسأله خطبه‌های نماز جمعه چنین می‌نویسد:



«اسلام دین سیاست است با همه شوون سیاست، و این معنا برای کسی که کمترین دقتی در احکام حکومتی و سیاسی اجتماعی و اقتصادی اسلام بکند به خوبی و روشنی ظاهر می‌گردد، پس کسی که خیال می‌کند دین اسلام جدای از سیاست است هم نسبت به معارف اسلام جاهل است و هم سیاست را نمی‌داند.»^۷

در اندیشه امام «دین» خاستگاه و منشأ نظام سیاسی اسلام است و کلیه برنامه‌ها و مباحث سیاسی اسلام بر مبنای قوانین و احکام دینی پایه ریزی شده است و دلیل توسعه یافتن و فراگیر شدن حکومت اسلامی در نیمه اول قرن ظهور اسلام را آمیختگی دین و سیاست می‌داند و می‌فرماید:

«رسول الله (ص) پایه سیاست را در دیانت گذاشته است».^۸

با توجه به آن چه که بیان گردید روشن شد که در اندیشه سیاسی امام آموزه‌های دینی دارای صبغه سیاسی می‌باشند، از این رو یکی از ابعاد احیای امام (ره) احیای روح سیاسی نهضت عاشورای حسینی با توجه به اهداف آن در میان اندیشمندان و شیعیان جهان است که اثرات بسیاری را در پیشبرد نهضت اسلامی به دنبال داشت، هر چند این مسأله در طول تاریخ تحولات جامعه مسلمانان به فراموشی سپرده شده بود.

در فضای فرهنگی قبل از انقلاب و قیام امام هم دیدگاه‌ها نسبت به نهضت عاشورا توجه بیشتر به اجر و پاداش معنوی عزاداری امام حسین (ع) بدون درک صحیح از فلسفه سیاسی قیام امام حسین (ع) بود. یکی از نویسندگان درباره وضعیت سیاسی فرهنگی عزاداری شیعیان قبل از انقلاب می‌نویسد:

«افسوس که شیعه بیشتر بر مصائب عاشورا گریست و کمتر در مسائل عاشورا اندیشید، شیعه عاشورا را نگه داشت لیکن درست نشناساند، آفرین بر او که نگاه داشت و دریغ از او که نشناساند».^۹

در میان برخی متفکران و صاحبان اندیشه و قلم هم بیشتر به مباحثی پرداخته می‌شد که به بروز اختلاف در میان پیروان حقیقی ولایت می‌انجامید و دستمایه‌ای برای بهره‌گیری دستگاه‌های امنیتی رژیم در ایجاد تنش و کشمکش میان سخنرانان مذهبی در ایام محرم و جوانان متدین می‌گردید.^{۱۰} تا اندیشمندان از تبیین فلسفه اصلی قیام عاشورا غفلت نمایند در نتیجه عملاً فرصت‌های مناسب ایام عزاداری به جنجال‌های بیهوده صرف می‌شد.

نگرش امام به حادثه عظیم عاشورا به عنوان یک ضایعه تاریخی نبود، بلکه ایشان در یک افق برتر قیام امام حسین (ع) را یک حرکت هدفمند و برنامه‌ریزی شده در جهت احیای

فکر اسلام

سال هشتم / شماره اول



اسلام می دانست و می فرمود:

«او [امام حسین (ع)] می دانست که چه می کند و کجا می رود و هدفش چیست؟»^{۱۱}
«امام حسین (ع) با فداکاری بی نظیر و نهضت الهی خود واقعه بزرگی را به وجود آورد که کاخ
ستمگران را فرو ریخت و مکتب اسلام را نجات بخشید.»^{۱۲}

ایشان فرهنگ عاشورا را گنجینه عظیم سیاسی دینی و پشتوانه فرهنگ غنی و
انسان ساز تشیع می دانست و با بهره گیری از آموزه های عاشورایی به احیای دین
پرداخت و حماسه حسینی را اساس قیام و مبارزه و تحول و بیداری قرار داد. نگرش
امام به سیاست و اندیشه سیاسی ایشان باعث شد تا نوع نگاه به مفهوم و کارکرد
سیاست در میان مردم مسلمان و حتی اندیشمندان اسلامی تغییر کند و شعائر دینی و
مذهبی را آمیزه های از دین و سیاست بدانند. امام با تفسیری جدید از مؤلفه های فرهنگ
عاشورا غبار بدعت و تحریف را از فرهنگ شیعه زدود و به برخی از نظریه های ناصواب خط
بطلان کشید.

«گریه» در مراسم عاشورا و عزاداری امام حسین در نظر بعضی از اندیشمندان
نشانه دلسوزی و ترحم بر حادثه عاشورا قلمداد می شد و برخی آن را باعث عجز و
ضعف روحی می دانستند. امام با تفسیر حدیث «تباکی»^{۱۳} به تأثیرات سیاسی گریه در
جامعه اشاره می کند و ملت ایران را ملت «گریه سیاسی»^{۱۴} می نامد که این گریه نهال ایمان
و جهاد را در قلوب مردم شکوفا می سازد و یک ملت حماسه ساز پدید می آورد ایشان
در این باره می فرماید:

«مسأله تباکی نیست، مسأله سیاسی است.»^{۱۵}

«مجلس عزای نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهداء اجر ببرند، البته برای این هم
هست... بلکه مهم آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا
آخر باشد.»^{۱۶}

همچنین، حدیث «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را استمرار نهضت حسینی در
گستره تاریخ تشیع می دانست و آن را سرلوحه زندگی شیعیان معرفی می کرد که در هر زمان و
مکانی باید حسینیان به مصاف یزیدیان بروند. امام رویدادهای انقلاب و دفاع مقدس را
مصادیقی از این حدیث می دانست و حوادث آن را مکرر عاشورا و مخالفان و دشمنان انقلاب
اسلامی را مکرر یزیدیان تفسیر می کرد.

و به بیانی دیگر این حدیث را تصویرگر صحنه مقابله اسلام و کفر و رویارویی عدل و



ظلم می‌دانست که یعنی باید روح حماسه همواره در جامعه شیعه زنده بماند.^{۱۷} تأکید ائمه معصومین علیهم السلام بر اقامه عزای امام حسین (ع) و احیای عاشورا در جامعه بر همین نکات اشاره دارد.

◁ راه کارهای تشکل بخشی

بخش عظیم و مهم نگرش احیاگرانه امام خمینی به نهضت عاشورای حسینی در سیره سیاسی ایشان در قیام و مبارزه علیه ظلم و تشکل بخشی به جامعه شیعه تبلور می‌یابد. امام نهضت خود را به پیروی از قیام خونین امام حسین (ع) و بر پایه تجربه تاریخی و عبرت آموزی از نقاط ضعف و قوت قیام‌های شیعیان در طول تاریخ، خصوصاً مبارزات عالمان شیعی در سده‌های اخیر استوار کرد و مسیر مبارزه و اهداف و آینده انقلاب اسلامی را مشخص نمود.

سیره عملی ایشان قبل از قیام و پس از آن مبتن این حقیقت است که امام بر پایه فرهنگ انسان‌ساز و عزت آفرین عاشورا، راه کارهایی را بستر تشکل بخشی به شیعه قرار داده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

□ ۱. **تربیت شاگردان؛** حوزه درس امام به گونه‌ای بود که یک طلبه واقعی تربیت می‌کرد و فقط یک سلسله مباحث خشک علمی نبود، بلکه شاگردانی تربیت می‌کرد که برای آینده اسلام فایده داشته باشند.^{۱۸} و هنگامی که به درس خارج فقه می‌پرداخت زمینه ظهور انقلاب اسلامی را مهیا می‌کرد و در هر دوره شاگردانی بیشتر از دوره قبل تربیت می‌یافت و نسل جدید روحانیت با افکار انقلابی پدید می‌آمد.^{۱۹}

□ ۲. **درس ولایت فقیه و حکومت اسلامی؛** در دورانی که در حوزه‌های علمیه و میان اندیشمندان هیچ گونه بحثی مستدل و جامع درباره حکومت اسلامی ارائه نمی‌شد و اگر هم سخنی از حکومت اسلامی به میان می‌آمد بیشتر با معیارهای حکومت دموکراسی در غرب مطرح می‌گردید؛ امام در سال ۴۸ در ایام تبعید بحث مستدل و منظم حکومت اسلامی و ولایت فقیه را مطرح ساخت و با استشهاد به دلایل عقلی و نقلی مشروعیت و کارآمدی^{۲۰} حکومت اسلامی را به مجامع علمی و فرهنگی معرفی کرد، و از روحانیون درخواست نمود تا برای معرفی اسلام و حکومت اسلامی، نهضتی «عاشورایی» بر پا کنند.^{۲۱} امام با ترویج اندیشه ایجاد حکومت اسلامی در صدد حاکمیت دین و اجرای قوانین اسلامی در همه



شؤون فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برآمد و بر این باور بود که تا اسلام حکومت نداشته باشد، نمی‌توان آن را از بدعت‌ها و تحریف‌ها حفظ نمود و این اقدام امام بیانگر برنامه‌ریزی و آینده‌نگری برای تشکل بخشیدن به دین و شیعه است.

در دوران فراگیری و شتاب انقلاب ایشان طی نامه‌ای به یکی از مراجع قم خواهان حمله به شخص شاه شده بود اما پاسخ شنید که نمی‌دانیم بعد از رفتن شاه چه خواهد شد امام گفتند: «من فکرش را کرده‌ام».^{۲۲}

در اندیشه و نگرش سیاسی امام حکومت اسلامی برابر با تمام مفهوم سیاست است.^{۲۳} و معتقد بود که امام حسین(ع) برای دستیابی به حکومت اسلامی قیام کرده است؛ ایشان می‌فرماید:

«... آمده بود حکومت هم می‌خواست بگیرد و این یک فخری است و آن‌هایی که خیال می‌کنند که حضرت سیدالشهداء(ع) برای حکومت نیامده، خیر؛ این‌ها برای حکومت آمدند».^{۲۴}

در باره فرستادن مسلم بن عقیل به شهر کوفه نیز می‌فرماید:

«او مسلم را فرستاد تا مردم را دعوت کند به بیعت تا حکومت اسلامی تشکیل بدهد».^{۲۵}

قدر مسلم در پرتو ایجاد حکومت اسلامی است که عدل و قسط در جامعه فراگیر می‌شود و اجرای احکام مترقی اسلام تحقق می‌پذیرد.

□ ۳. بهره‌برداری صحیح از مناسبت‌های اسلامی در جهت هدایت و

به‌کارگیری مردم؛ سیره سیاسی امام در مبارزه با رژیم ستمشاهی و تشکیل حکومت هیچ‌گاه بر مبنای فعالیت برای تشکیل یک حزب یا سازمان سیاسی خاصی نبود، بلکه ایشان همانند سیره انبیاء عظام برنامه اصلی خود را بر پایه آگاهی توده‌های میلیونی و مسلمان ایران بنانهاد و با شناخت کامل از تأثیرات عمیق روحی و روانی مناسبت‌های اسلامی خصوصاً ایام عزاداری امام حسین(ع) در جان و افکار مردم به هدایت سیاسی آنان پرداخت.

امام با نگرشی نو به ابعاد سیاسی عاشورا و با توجه به انرژی متراکم و اثر بخش اما فراموش شده توده مردم به جهت دهی عزاداری‌های حسینی پرداخت؛ ایشان از آغاز نهضت به توانمندی‌های عظیم و کارساز مردم هدایت یافته معتقد بود و هنگامی که در سال‌های اول نهضت برخی از عالمان غافل از قدرت سیاسی کارآمد مردم آگاه و هدایت یافته به امام می‌گفتند که ما بمب نداریم که بر سر شاه بزنیم، این فقیه دورانیش و روشن ضمیر با توجه به قابلیت هدایت یافتن مردم در پرتو زحمات و تلاش‌های روحانیت متعهد در ایام عزاداری و



حضور در صحنه مبارزه سیاسی برای سرنگونی رژیم پهلوی فرمود:

«ما نیرویی داریم که به مراتب از بمب کارساز تر است».^{۲۶}

امام همواره به بهره‌برداری صحیح از ابعاد سیاسی عاشورا در جهت تعمیق معارف دینی و سیاسی مردم همت می‌گماشت و می‌فرمود:

«این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا، نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن می‌آید... جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری است که هست».^{۲۷}

به سخنرانان و خطیبان هم فرمود:

«اهل منبر ایدهم الله تعالی کوشش کنند در این که مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی اسلامی».^{۲۸}

نقش مساجد و حسینیه‌ها در احیای فرهنگ و ارزش‌های حماسی عاشورا بر هیچ کس پوشیده نیست. اجتماع مردم در این مراکز بهترین فرصتی بود که امام در جهت تحکیم مبانی اعتقادی و سیاسی مردم بهره‌برداری نمود و به گسترش انقلاب در جمیع اقشار ملت و شهرهای مختلف ایران انجامید. نکته مهم دیگری که در پرتو این بهره‌برداری تبلور یافت وحدت و وفاق ملی است. با توجه به اکثریت قریب به اتفاق شیعه مذهب بودن ملت ایران، امام برای به حرکت در آوردن مردم از مناسبت‌های دینی خصوصاً عاشورا در جهت وحدت و همدلی مردم استفاده می‌جست.

امام به محور وحدت جامعه اهمیت فراوانی قائل بود و با سیری در اندیشه و آثار ایشان مطالب موضوع وحدت نسبت به سایر موضوعات از درصد بیشتری برخوردار است. ایشان با تأکید بر حدیث «يَدَالِلُهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^{۲۹} وحدت و همدلی را زمینه‌ساز نزول عنايات و امدادهای الهی در حل مشکلات سیاسی اجتماعی ملت می‌دانست و همواره اقشار مختلف مردم را به محورهای وحدت توجه می‌داد.

یکی از مهم‌ترین و فراگیرترین محورهای وحدت که کلیه اقشار مردم را تحت یک پرچم به حرکت خود جوش دینی و مردمی و می‌داشت ایام محرم و عاشورای حسینی بود. امام در این باره می‌فرماید:

«... [مکتب اسلام] روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه این روزها تحکیم وحدت می‌شود، مثل عاشورا و اربعین».^{۳۰}



امام عاشورا را به یکی از نمادهای وحدت شیعه در جهان برای مبارزه با ظلم تبدیل ساخت که افشار مختلف و احزاب سیاسی با هر گرایش و سلیقه‌ای بر اساس این محور به وفاق و همدلی برای پیروزی بر دشمن تلاش نمایند؛ ایشان به اثرات و نتایج مهم این وحدت در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌نماید:

«تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس ترویج و تبلیغ اسلام شد.»^{۳۱}

مطلب دیگر سازمان یافتن مردم در مراسم عزاداری‌ها برای مبارزه و منظم شدن برنامه‌ها بدون دخالت هیچ حزب سیاسی بود و این امر بنا به رهنمودهای امام توسط روحانیت که پرچمدار مبارزه و رهبران معنوی مردم و پیشتانان عرصه انقلاب بودند در شهرهای مختلف ایران صورت می‌گرفت. چهار راهپیمایی عظیم و گسترده مردم در روزهای تاسوعا، عاشورا، اربعین و بیست و هشتم صفر سال ۵۷ که سرنوشت انقلاب اسلامی را رقم زد و تعجب سیاستمداران جهان را برانگیخت و سردمداران استکبار جهانی را از ادامه حمایت‌های سیاسی رژیم پهلوی مأیوس ساخت، دستاورد بهره‌برداری صحیح و مناسب از ایام الله عزاداری و جهت دهی به حرکت‌های مردمی از سوی امام بود.

□ ۴. **الگو دهی؛** از برجسته‌ترین روش‌های سیاسی امام از آغاز دوران رهبری تا پایان حیات طیه و مبارکشان توجه دادن مسئولان نظام و مردم ایران به سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌خصوص تأسی به سیره امام حسین (ع) و الگوگیری از فرهنگ عاشورا بود. البته ایشان از سیاست الگوسازی دو هدف مهم و راهبردی را دنبال می‌کرد:

ابتدا مشروعیت بخشیدن به اقدامات و برنامه‌های مبارزاتی خود هنگام رویارویی با رژیم ستمشاهی و استکبار جهانی در احتجاج با مخالفان و منتقدان داخلی انقلاب اسلامی. دوم احیای انگیزه‌های دینی و معنوی در مردم شیعه تا خود را شیعه واقعی قرار دهند و پیروی از ائمه (ع) را از لفظ به مرحله عمل آورند زیرا در اندیشه امام تشیع همان اسلام اصیل است و خصلت ذاتی آن مبارزه علیه ظلم است.

امام نهضت عاشورا را مناسب‌ترین الگو در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانست. ایشان با این سیره ارزش‌های نهضت حسینی و فرهنگ عاشورا را در قالب نوین ارائه نمود و قیام امام حسین (ع) را به عنوان یک تابلو جامع ارزش‌های دینی برای راهنمایی شیعیان جهان معرفی کرد.





در این قسمت به مهم ترین نمونه های الگودهی امام از نهضت عاشورا می پردازیم.

○ ۴/۱. **مبارزه با ظلم**؛ تأسی به سیره امام حسین (ع) در مبارزه با رژیم ستمشاهی به استناد حدیث امام حسین (ع): «من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله...»^{۳۲} امام خمینی خطاب به ملت ایران می فرماید:

«[امام حسین] تصریح می کند که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم به مردم می کند باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند هر قدر که می تواند».^{۳۳}

و رژیم طاغوت را مظهر حکومت جائر معرفی می کند و مردم را به مبارزه دعوت می نماید.

○ ۴/۲. **سازش ناپذیری در برابر ظلم**؛ با مطرح ساختن شعار عاشورایی «هیئات منا الذلّة»^{۳۴} هیچ گاه تلاش های سازش کارانه را بر نمی تابید و به ملت ایران نیز سفارش می کرد که به پیروی از شعار امام حسین (ع) که فرمود: «انی لا اری الموت الا سعادة و لا الحیاة مع الظالمین الا برماً»^{۳۵} به ملت ایران گوشزد نمود که:

«باید با قدرت به پیش برویم و با قدرت با همه کسانی که به ما می خواهند تجاوز و تعدی کنند مبارزه کنیم و زندگی آبرومند نداشتن و زیر بار [ظلم] بودن هزار مرتبه [بدتر] از این که انسان بمیرد، مردن بر او شرف دارد».^{۳۶}

○ ۴/۳. **صبر در برابر مشکلات**؛ امام با الهام از تحمل مصائب کربلا در فروردین سال ۴۲ که هجوم مزدوران رژیم به مبارزان اسلامی آغاز شده بود فرمود:

«... شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصائب و فجایع صبر و استقامت کردند که آن چه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست، پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته اند و در راه دین خدا یک چنان مصائبی را تحمل کرده اند».^{۳۷}

○ ۴/۴. **ایثار و فداکاری**؛ امام با مطرح ساختن فداکاری های امام حسین میان نهضت عاشورا و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پیوند بر قرار می سازد:

«در حالی که شهادت حضرت سیدالشهدا از همه خسارت ها بالاتر بود، ولی چون او می دانست که چه می کند و کجا می رود و هدفش چیست فداکاری کرد و شهید شد و ما هم باید روی آن فداکاری ها حساب کنیم که سیدالشهدا چه کرد و چه بساط ظلمی را به هم زد و ما هم چه کرده ایم».^{۳۸}

«... [محرم] به ما تعلیم می دهد که باید همان نحوی که مولای شما حسین بن علی سلام الله علیه فداکاری کرد و همه چیز خودش را در راه اسلام فدا کرد، شما هم که شیعیان او هستید، محبان او هستید باید اقتدا به او کنید و هر چه دارید بدهید».^{۳۹}

امام تمام ابعاد نهضت امام حسین (ع) را یک حرکت کاملاً سیاسی می‌دانست^{۴۰} و با احیای فرهنگ عاشورا و الگو ساختن معیارهای عاشورایی، یک ملت حماسه‌ساز پدید آورد که با درس‌آموزی از مکتب امام حسین (ع) منشأ تحولات عظیمی در جهان اسلام گردید و معجزه قرن را پدید آورد.

عاشورا سمبل تجلی و تبلور ارزش‌های ناب اسلامی در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن است که نقش مهمی در گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه شیعه داشته است؛ از همین روی امام در باره مهم‌ترین عامل موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«اگر قیام حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز شویم.»^{۴۱}

زیرا از دیدگاه ایشان عوامل معنوی الهام گرفته از فرهنگ عاشورا در پیروزی نقش دارند:

«افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله، این هاست که پیروزی می‌آورد پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون می‌آورد.»^{۴۲}

◀ عینیت تشکیلات

انقلاب اسلامی ایران، استمرار نهضت‌های شیعی در طول تاریخ است که با شعارهای آرمان‌خواهانه خود برای تحقق عدل اسلامی فراز و نشیب‌هایی را گذرانده است. امام به این آرمان‌ها در جمهوری اسلامی عینیت بخشید و خطوط کلی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را بر اساس نهضت حسینی ترسیم کرد:

«این کشور ماکه قیام کرد از اول هم که قیام کرد جمهوری اسلامی و استقلال کامل و نه شرقی و نه غربی را اعلام به دنیا کرد و از اول اعلام کرد به دنیا که ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم، ما بی‌م و تحت عنایات خدای تبارک و تعالی و پرچم توحید که همان پرچم امام حسین (ع) است.»^{۴۳}

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نمود عینی تشکل‌یافتگی شیعه توسط امام خمینی، حاکمیت دین در جامعه است که پس از دوران حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) کم‌سابقه یا بی‌نظیر است امام در عصر پیشرفت صنعت و تکنولوژی و فن‌آوری و افزایش نظریه‌های جامعه‌شناسی و سیاسی کارآمدی دین اسلام را هم در زمینه نظریه‌پردازی و هم در عرصه اداره جامعه و تشکیل حکومت اسلامی به منصب ظهور رساند.

امام حکومت اسلامی را بر دو مبنای مستحکم ولایت فقیه (مشروعیت دینی) و مقبولیت



مردمی (مردم سالاری دینی) پایه ریزی کرد و آن را قوام بخشید و نهادهای حکومتی را بر محور این دو مینا برقرار نمود:

□ ۱. **ولایت فقیه**؛ پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت دین در جمهوری اسلامی جمله امام حسین (ع) «مجارى الأمور و الاحکام بأیدی العلماء بالله»^{۴۴} را محقق ساخت و رهبری دینی را در جهان بشریت با تمام ابعاد و معیارها و مشخصاتی که در احادیث ائمه معصومین (ع) در شأن و رسالت فقیه بیان شده است احیا نمود. و ولایت فقیه منشأ مشروعیت الهی و دینی نظام اسلامی گردید تا اجرای تمام سیاست‌های کلی نظام منطبق بر معیارهای اسلامی باشد. نقش محوری رهبری در هدایت جامعه اسلامی و عزل و نصب و تنفیذ حکم مسؤولیت کارگزاران عالی رتبه نظام اسلامی در جهت اجرای احکام شرع مجوزی بر مشروعیت دستگاه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی است.^{۴۵}

امام درباره این مبنای اسلامی می‌فرماید:

«...فقهائى جامع الشرايط از طرف معصومين نيابت در تمام امور شرعى و سياسى و اجتماعى را دارند و تولى امور در غيبت كبرى موكول به آنان است.»^{۴۶}

□ ۲. **مردم سالاری دینی**؛ با رویکردی به نهضت‌های پیشین عمده‌ترین علت شکست یا ناکامی رهبران آن‌ها را فقدان پشتوانه قدرتمند و گسترده مردمی مشاهده می‌کنیم و امام جهت نمونه علت ناکامی سید جمال‌الدین اسدآبادی را نداشتن چنین پایگاهی بیان کرده است،^{۴۷} از این رو ایشان همان گونه که با هدایت مردم ایران و تظاهرات میلیونی و حضور در صحنه مبارزه رژیم را ساقط نمود پس از پیروزی نیز یکی از پایه‌های مستحکم حکومت را حضور و نقش مردم در شکل‌گیری نهادهای مدنی و انقلابی حکومت قرارداد.

امام برخلاف برخی سیاستمداران غربی که مردم سالاری مطلق یا دموکراتیکی غربی را ترویج می‌کنند، ایشان بر حضور مردم مسلمان در چهارچوب احکام و قوانین کلی اسلام در جهت تحقق حاکمیت دین که منشأ مشروعیت سیاسی در عرصه بین‌المللی و استحکام نظام محسوب می‌گردد تأکید داشتند.

امام هم بر اسلامیت و هم بر جمهوریت تأکید داشتند و می‌فرمودند:

«حکومت از مردم جدا نیست.»^{۴۸}

نقش مردم پس از پیروزی انقلاب در تحقق و تثبیت نظام جمهوری اسلامی با بیعت و پذیرش دستورات امام و اجرای قانون در عرصه‌های گوناگون به شکل شرکت در



راهپیمایی‌ها، رفراندوم، انتخابات مجلسین (شورای اسلامی و خبرگان رهبری) انتخابات ریاست جمهوری، حضور فعال در بسیج، حضور در جبهه برای دفاع از میهن اسلامی و... ظاهر گردید.

تبلور این دو رکن مهم نظام باعث استحکام و استمرار نظام اسلامی گردید و یگانه نهضت شیعی موفق در تاریخ به ثبت رسید.

◀ استمرار نهضت و حکومت شیعی و آمادگی برای ظهور ولی مطلق

اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی به تشکیل و تثبیت نظام جمهوری اسلامی محدود و بسنده نمی‌شود، ایشان حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند تا از زیر یوغ بردگی مدرن‌رهایابی یابند، از این رو مظلومان جهان را به مبارزه با ستمگران و آماده ساختن جامعه برای ظهور ولی مطلق فرا می‌خواند. ایشان با تفسیر صحیح انتظار ظهور امام زمان (عج) و معرفی معیارهای منتظران حقیقی در فرهنگ شیعه، به تحلیل‌های غلط درباره انتظارات خط بطلان کشید، و انتظار ظهور را استمرار اقتدار اسلام تبیین نمود:

«ما همه انتظار فرج داریم، و باید در این انتظار خدمت بکنیم، انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند.»^{۴۹}

استمرار و گسترش حاکمیت دین غبار بدعت و تحریف را از انتظار ظهور و آمادگی برای حکومت جهانی مصلح کل زدود و نسل انقلاب را به تلاش و پویایی در تهیه مقدمات ظهور مهدی موعود (عج) و فراگیر شدن حکومت اسلامی در جهان فرا خواند. امام درباره مبارزه با ظلم و آماده ساختن جهان برای ظهور مهدی منتظر (عج) می‌فرماید:

«... ارزش دارد که انسان در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان سلام الله علیه هستیم پس دیگر بنشینیم در خانه‌هایمان، تسبیح را در دست بگیریم و بگوییم عجل علی فرجه، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او.»^{۵۰}

«ما [اگر] بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم تکلیفمان است، ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم... فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک کنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت [مهدی] سلام الله علیه.»^{۵۱}



◀ پی‌نوشت‌ها

۱. مبانی سیاست، عبدالحمید ابوالحمد، صص ۲۲ و ۲۴ و ۲۵.
۲. همان، صص ۱۴ و ۱۶.
۳. سیاست در اسلام، ابوالفضل عزتی، ص ۱۵۲.
۴. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۸.
۵. همان.
۶. همان، ج ۳، ص ۱۲۰.
۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶۹ (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی).
۸. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۳۸.
۹. قیام جاودانه، محمد رضا حکیمی، ص ۷۸.
۱۰. کتاب شهید جاوید و برخی از اندیشه‌های دکتر شریعتی از جمله مسائلی بود که بحث‌های مخالف و موافق را به دنبال داشت. برای آشنایی با دیدگاه امام در مورد فرسایش نیروهای انقلاب بر محور این موضوع ر. ک. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۲ و ۴۱۰؛ ج ۸، ص ۴۶۰ و ۵۳۳ و ۵۳۴.
۱۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۴.
۱۲. قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص ۳۰.
۱۳. «مَنْ بَكَى أَوْ ابْكِي وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ» بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸.
۱۴. ر. ک. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۶.
۱۵. همان، ج ۸، ص ۲۶.
۱۶. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۶.
۱۷. برای آشنایی با دیدگاه‌های امام در این زمینه ر. ک. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۵ و ج ۱۰، ص ۸ و ۱۲۲ و ج ۱۶، ص ۱۵۱.
۱۸. نک: مجله حضور، ش ۱، ص ۲۴.
۱۹. آخرین انقلاب قرن، ج ۲، ص ۹۰.
۲۰. ر. ک. ولایت فقیه، صص ۳۲-۵۸ و کتاب البیع، ص ۴۶۰-۴۶۳.
۲۱. همان، ص ۱۲۱.
۲۲. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۱۰، ص ۲۳۲، پاورقی ش ۱. نامه امام خمینی به آیه‌الله گلپایگانی.
۲۳. ر. ک. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۸.
۲۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳.
۲۵. همان، ج ۲، ص ۳۷۳.
۲۶. تحلیلی از نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، ج ۲، ص ۱۵۳.
۲۷. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.
۲۸. همان، ص ۱۵۸.
۲۹. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۶.
۳۰. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۶۲.
۳۱. همان، ج ۱۷، ص ۶۰.
۳۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۴.
۳۳. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۰۸.

خبرنامه

سال هشتم / شماره اول

